

# ارزیابی جهانگیر آموزگار از تحریمها علیه ایران

دلیل اصلی چاپ مقاله زیر آشنا شدن ایرانیان، و بویژه دولتمردان مسنول، با حقایق در مورد اندیشه‌ها و برنامه‌ریزی‌های دستگاه حاکمه آمریکا در مورد ایران است. در مقاله، به جملاتی نظیر کشور یاغی، تروریسم دولتی، کوششهای رهبری روحانی برای حفظ حاکمیت خود، نگرانی برخی شخصیت‌ها از دشمن‌گامی‌های مقامات آمریکا نسبت به ایران، مردم به تنگ آمده و... برخورد می‌کنیم که گوش ایرانیها با اصطلاح از آنها پر است. اما مقاله از برخی جهات واجد اهمیت است؛ از جمله اعتراف به قدرت منطقه‌ای ایران و موفقیت‌هایش در عرصه‌های مختلف... البته این مقاله قبل از برگزاری انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری ایران نوشته و چاپ شده است، اگر نویسنده همین مقاله را بعد از انتخابات می‌نوشت، بی‌تردید در بسیاری از داورها و پانل‌های فريضه‌های مطرح شده در مقاله تجدیدنظر می‌کرد.

مقاله را عیناً ترجمه کرده‌ایم و می‌دانیم خواننده هوشمند ما خود متوجه می‌شود در کجاها داورها ناشی از بی‌اطلاعی یا سونیت است و اتهامات واهی کدامها هستند. فقط نثر اصلی و سوتی‌ها از جانب هیأت تحریریه این ماهنامه انتخاب شده است. نکته‌ای که مایه تأسف است این که می‌خوانیم گروه‌های مخالف رژیم ایران تا بدانند نسبت به سرنوشت میهن و هم میهنان خود بی‌تفاوت هستند که حاضرند ایران به بالکانی دیگر تبدیل شود. آیا می‌توان اعضای این گروه‌ها را ایرانی نامید؟!

توضیح این نکته را هم ضروری می‌دانیم که جهانگیر آموزگار که در سالهای اخیر چند بار، و در مقام نماینده صندوق بین‌المللی پول به ایران سفر کرده، و با مقامات بالای مملکت ملاقاتهایی نیز داشته، در کابینه دکتر علی‌امینی مدتی وزیر بازرگانی و مدتی هم وزیر دارائی بوده است. در آن دوران وزارت اقتصادی و دارائی هنوز تشکیل نشده بود.

## تغییراتی در تحریم

نویسنده: جهانگیر آموزگار، مشاور بین‌المللی در مسائل اقتصادی و وزیر اقتصاد و دارائی ایران در کابینه‌های پیش از انقلاب ۱۹۷۹

## ضایعات در ایران

تحریم‌های کنونی ایالات متحده آمریکا علیه

ایران به منظور بازگرداندن «کشور یاغی» به عضوی از جامعه جهانی است که قانون را رعایت کند و به همکاری و سازندگی بین‌المللی روی آورد. واشنگتن با اعمال این تحریمها امیدوار است اساس یازدهمی اقتصاد ایران را فلج کند و توانمندیهای آن را در حمایت از تروریسم بین‌المللی و برخورداری از سلاحهای پیشرفته به حداقل برساند و مشکلات اقتصادی ناشی از تحریمها موجب شود که مردم به تنگ آمده از شرایط سخت زندگی از رژیم خود روی گردانند. واشنگتن امیدوار است ناراضیانی مردم از سترو شدن سیاسی در جهان، رهبری روحانی حاکم بر آنها را به خود آورد.

فقدان اطلاعات و داده‌های ناکافی ارزیابی تأثیر تحریمها را بر ایران مشکل کرده است، حامیان سیاست تحریم مدعی هستند این تحریمها تأثیری سنگین و حتی بیشتر از آنچه که انتظار می‌رفت بر ایران داشته است؛ و منتقدان این سیاست، شکست‌پذیری ایران را از درون که دلیل آن تحریمها باشد رد می‌کنند. آن چه که مسلم است این است که اهداف اقتصادی، روانی و سیاسی آمریکا در ایجاد تغییر در رفتار رژیم از طریق ایجاد تحریمها تحقق نیافته است. شاید یکی از ارزیابی‌های مقایسه‌ای از شرایط کنونی ایران شاخص‌هایی قطعی رویان نکتد ولی اقتصاد ایران که تحت تحریمهای آمریکا است به مراتب توانمندتر از بسیاری از کشورهای در حال توسعه‌ای است که از آمریکا کمکهای اقتصادی دریافت می‌کنند. از نظر نظامی ایران از سال ۱۹۸۹ نیرومندتر است و از بختیاری از متحدان آمریکا در منطقه کمتر آسیب پذیر است، تحریمهای اقتصادی واشنگتن را بیش از ایران سترو کرده است.

مقامات ایرانی معتقدند که تحریمهای اقتصادی «مشکلاتی» برای کشور به وجود آورده است ولی از ارائه جزئیات در زمینه طبیعت و ابعاد این مشکلات خودداری می‌ورزند. به رغم این خودداری، شناسایی حوزه‌هایی از اقتصاد که از تحریمها آسیب دیده‌اند چندان مشکل نیست: یافتن خریداران نفت و سرمایه‌گذاران غیرآمریکایی در حوزه‌های نفت و گاز ایران برای این کشور اوزان تمام نشده است. صادرات آمریکا به ایران گرچه ظاهراً تحت شرایط تحریم متوقف است ولی بوسیله اشخاص و پارشرکتهای ثالث به قیمتی گرانتر به ایران وارد می‌شود و یا از منابع دیگر

و با کیفیتی پائین‌تر تأمین می‌گردد، جایگزین کردن و یا نوسازی تجهیزات دفاعی، صنعتی و نفتی نه برای ایران ارزان تمام می‌شود و نه رضایت ایرانیها را تأمین می‌کند. جدول‌بندی مجدد بدهیهای کوتاه مدت موقه به کشورهای دیگر نیز به سود ایران انجام نمی‌گیرد، برخی از سرمایه‌گذاران خارجی تحت تأثیر تهدیدهای تلافی‌جویانه ایالات متحده از فعالیت در ایران منصرف شده‌اند، پرداخت اعتبارات عادی از سوی سازمانهای مالی بین‌المللی به ایران نیز یا به تأخیر افتاده و یا لغو شده‌اند، جدول زمان‌بندی بدهیهای بلندمدت ایران به تعویق افتاده است، کمکهای تکنولوژیک خارجی در پاره‌ای حوزه‌های حساس صنعتی به حال تعلیق گذاشته شده، اعتماد به کسب و کار در بازارهای ایران متزلزل شده و فضای موجود برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی فضائی سرد و غیرفعال است.

فشار اقتصادی و سیاسی آمریکا به اقتصاد ایران صدمه زده است ولی این صدمات غیرقابل ترمیم نیستند، ایران به فروش نفت خود تحت جدول سهمیه‌بندی کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) ادامه می‌دهد و مبادلات بازرگانی و سرمایه‌گذاری در سایر کشورهای جهان را در سطحی مطلوب حفظ کرده است. سازمانهای متعدد بین‌المللی و رسانه‌های گروهی جهان شاخص‌های اقتصادی ایران را بسیار بهتر از سالهای اولیه ۱۹۹۰ گزارش می‌کنند. در حسابهای جاری کشور افزایش چشم‌گیر درآمدها مشهود است، ذخایر ارزی کشور به رکوردی جدید دست یافته است، بدهیهای خارجی طبق برنامه باز پرداخت می‌شود، در ارتباطات متوسط و بلندمدت مالی با اروپا موفقیت‌هایی بدست آمده است، نرخ رسمی مبادله ریال ثابت نگه داشته شده، در واردات کاهش مشهود است و مناطق تجاری آزاد قشم و کیش توجه برخی از سرمایه‌گذاران خارجی خصوصی را جلب کرده است.

در هر کجا که انتظار می‌رفت تحریم ضربه‌ای کارساز بزند یا تعجب می‌بینیم اثرات آن کمتر نمایان شده است. تولید روزانه نفت خام در سالهای ۹۷- ۱۹۹۶ از سالهای ۹۴- ۱۹۹۳ بیشتر است، دریافتیهای خالص ارزی ایران از محل فروش نفت قوس صعودی داشته است، سرمایه‌گذاران داخلی نیز به عنوان

بخشی از تولید ناخالص ملی افزایش نشان می‌دهد، کسر بودجه و بدهیهای خارجی و آفت بازرگانی کاهش داشته است که از پیآمدهای افزایش قیمت نفت و ارزش دلار پس از اعمال تحریمها است.

با این حال اقتصاد ایران عاری از مشکلات متعدد نیست. نرخ تورم بسیار بالا است، اثرات ناشی از بیکاری و انتظار برای بدست آوردن شغل به ویژه در میان فارغ التحصیلان رو به افزایش دانشگاهها که چون کارخانه مدرک‌سازی برکه فارغ

التحصیلی صادر می‌کنند، همراه با محدودیتهای متعددی که برای جوانان در جامعه ایران وجود دارد از نظر اقتصادی بسیار مشهود و از نظر سیاسی انفجارآمیز است. هزینه زندگی و قیمتها به شکلی سرسام‌آور دچار اختلال است؛ بازدهی کار و سرمایه اندک است. چنانچه روزی بازار جهانی نفت دچار نوسان شود این وضعیت باز هم تشدید خواهد شد. با این حال تحریمهای آمریکا نتوانسته است در تشدید این بیماریهای اقتصادی و اجتماعی تأثیری باقی بگذارد. در صورتی هم که براین عوامل اثراتی داشته است، نیرومندی تأثیر آن چنان نبوده که تهران را وادار به تغییر رفتار کند.

اثرات روانی تحریم ترکیبی است از عناصر متعدد، نشانه‌هایی در دست است که به رغم جبهه‌گیریهای ایران در مقابل ایالات متحده، آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری ایران و دولت او نسبت به بهای دشمنی با آمریکا دچار نگرانیهای هستند. این گروه آشنی با ایالات متحده را بر رویارویی با آن ترجیح می‌دهند و بیم از تحریم احساسی از ناسنی را در آنها برمی‌انگیزد.<sup>۱</sup>

از سویی تحریمهای اقتصادی ایران به مخالفان این رژیم چه در داخل که هیچگونه امکان قدرت نمائی ندارند و چه در خارج رضایت خاطر داده و آنها را امیدوار ساخته است که شاید فشار بر رژیم ایران سرانجام منجر به سرنگونی حاکمان انقلابی این کشور شود.

از سویی اعمال تحریمهای اقتصادی موجب شده است که ایرانیان ضمن روی آوردن به سوی خودکفائی به منابع دیگر در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین برای تأمین نیازهای خود تویز صد و وقت دست پیدا کنند. در حال حاضر کالاهای خدمات پیشرفته در ایران طراحی و تولید می‌شود به صورتی روزافزون که تا ۱۵ سال پیش امکان آن وجود نداشت به خارج صادر می‌شود. [حضرت] آیت‌الله خامنه‌ای رهبر مذهبی ایران علناً از تحریمهای آمریکاهیه ایران استقبال کرده و آن را عاملی برای تجهیز مردم به منظور رسیدن به خودکفائی توصیف کرده است.

## در طول عمر اعمال تحریمها علیه ایران شرکتها و پیمانکاران غربی عملاً به نمایندگان آمریکا در ایران تبدیل شدند.

نتایج سیاسی فشار بر ایران نیز به سود ایران بوده است. در اواسط سالهای ۱۹۸۰ که ایالات متحده نخستین مراحل تحریم را بر ایران اعمال کرد تعداد دوستان وفادار به جمهوری اسلامی ایران در جهان از انگلستان دست تجاوز نمی‌کرد، در اواسط سالهای ۱۹۹۰ رژیم ایران اعلام کرد که اکنون دشمنانش تنها آمریکا و اسرائیل هستند.

به رغم تحریمها و شاید به دلیل تحریمها ایران امروز روابطی نزدیک با روسیه، چین، هند، اندونزی و بزرگترین که مجموعاً دارای نیمی از جمعیت جهان هستند دارد. روابط ایران با بیشتر کشورهای آسیائی و افریقائی دوستانه است و با کشورهای اروپائی نیز به رغم ماجرای سلمان رشدی و موضوعات حقوق بشر روابط بازرگانی خود را حفظ کرده است.

در شش قاره جهان با کشورهایی برخورددار از رژیمهای متفاوت چه توسعه یافته و چه در حال توسعه صدها معاهده دوستی، همکاری، تجارت و مبادلات فرهنگی به امضاء رسانده است.<sup>۲</sup>

از رژیمی که آمریکا آن را دیاغی اعلام کرده است بارها دعوت شده در مناقشات بین‌المللی میانجیگری کند. دعوت از ایران برای میانجیگری و حل و فصل مناقشات آذربایجان و ارمنستان، سودان و اوگاندا و چندین کشور دیگر از چشم جهانیان پوشیده نماند. ایران همچنین نقشی فعال در میانجیگری میان طرفهای درگیر در جنگ داخلی افغانستان، تاجیکستان، عراق، بوسنی و دیگر نقاط جهان داشته است. به رغم مخالفتهای واشنگتن، نمایندگان ایران به ریاست کمیته‌های مختلف سازمان ملل و ارگانهائی وابسته به این سازمان برگزیده شدند.

در دسامبر سال گذشته «ادگاه بین‌المللی لاهه با ۱۴ رأی در مقابل دو رأی به حقانیت ایران در مورد انهدام یک سکوی نفتی ایران در خلیج فارس در سال ۱۹۸۷ بوسیله نیروهای آمریکائی مستقر در منطقه رأی داد. حکومت تهران امروز در مورد توانائی اقتصادش برای بررسی عضویت در سازمان جهانی تجارت از احساسی آکنده از اعتماد به نفس برخوردار است. جمهوری اسلامی هنوز روابطی توأم با تقاضم با عراق،

بحرین، مصر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، طالبان در افغانستان و الجزایر به دلیل ناخوسندی از بحرانهای سیاسی آن، نداشت و روابطش با کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل نیز متشنج است؛ موریس کویتورن گزارشگر جدید این کمیسیون شاید با سلف خود گالیندوبل در مورد کارنامه منفی ایران در زمینه رعایت حقوق بشر هم‌آوا باشد. به هر حال «شاخص انزوای» ایران در مورد حقوق بشر در پانزدهمین سالگرد خود در سالهای پس از

انقلاب قرار دارد.

### چرا عقب‌نشینی؟

تشخیص دلایل عدم موفقیت ایالات متحده در اعمال «سیاست مهار» چندان مشکل نیست، از نظر تاریخی، تحریمهای اقتصادی زمانی مؤثر واقع می‌شوند که جهانی بسیار گسترده، معبر و منطقی و در کوتاه مدت انعطاف‌پذیر نباشد. در مورد تحریم ایران هیچ یک از این شرایط وجود نداشت. سیاست تحریم ایران از سوی ایالات متحده اقدامی صرفاً یک جانبه بود، از سال ۱۹۹۳ در چندین گردهم‌آئی بین‌المللی از جمله اجلاس گروه ۷ در هالیفاکس انگلستان در ژوئن ۱۹۹۵ و اجلاس سران غرب در شرم الشيخ برای بررسی تروویسم در مارس ۱۹۹۶، آمریکا تلاش بسیار کرد که متحدان خود را رو در روی ایران قرار دهد که همه تلاشهایش ناکام ماند. عکس‌العمل متحدان آمریکا در قبال ابتکارانش علیه ایران یا منفی بود و یا در بهترین شکل، عاری از سپردن تعهد. متحدان آمریکا معتقد بودند هستند که واشنگتن از نقش برحق و قانونی ایران در منطقه غافل است و تحریمهایی که در آن حقایق موجود ملحوظ نشده باشد محکوم به شکست است. پس از اعمال دومین مرحله تحریم ایران و لیبی از سوی مراجع قانونگذاری آمریکا در سال ۱۹۹۶، اتحادیه اروپا رسماً شکایتی تسلیم سازمان جهانی تجارت کرد و به واشنگتن هشدار داد که در صورت اعمال مصوبات گنگره به اقدامات تلافی‌جویانه دست خواهد زد. تعدادی از متحدان آمریکا نظیر ترکیه، کویت و امارات متحده عربی به رغم تهدیدهای آمریکا روابط بازرگانی خود را با ایران گسترش دادند. بسیاری از کشورها برای تأمین نفت و گاز خود از منابع ایران اعلام آمادگی کردند. ژاپن، روسیه، چین، کانادا و بسیاری دیگر از کشورها درخواستهای آمریکا را برای پیوستن به تحریم تجاری ایران نادیده گرفتند و تنها اسرائیل و ازبکستان مردم به ندای آمریکا پاسخ مثبت دادند.

متحدان آمریکا در انگیزه‌های خود برای مخالفت با «استراتژی مهار» دلایل خود را دارند: مایل به

حفاظت از روابط تاریخی خود با ایران هستند، به گسترش منافع اقتصادی خود در بازارهای منطقه می‌اندیشند و از همه مهمتر نمی‌خواهند استقلال سیاسی خود را در قبال ایالات متحده از دست بدهند و یا به عبارت دیگر می‌خواهند مستقل از سیاستهای آمریکا عمل کنند.

تاریخچه تحریمهای آمریکا علیه کشورها نشان می‌دهد که گاه این تحریمها مصلحتی، بی‌بنیان و به منظور تطبیق پاره‌ای سیاستها با منافع اوست. سوریه نیز مثل ایران در فهرست کشورهای تروریست قرار داشت ولی دیدیم که مقامات بلند پایه آمریکا بارها بارها به دمشق سفر کردند بدون آنکه نامی از تحریم بیاورند یا مقامات سوری به

## سوریه نیز مثل ایران در فهرست «کشورهای تروریست» قرار داشت ولی دیدیم که مقامات بلند پایه آمریکا بارها بارها به دمشق سفر کردند و بدون آنکه نامی از تحریم بیاورند یا مقامات سوری به گفتگو نشستند.

جهانی نفت را به اوج خود خواهد رساند و احتمالاً به همین دلیل همه کشورهای واردکننده نفت ایران به موقع خود به مخالفت با تحریم نفتی ایران برخوانند خواست. بنابراین آمریکا در تحریمهای نفتی خود مایوسانه تنها خواهد ماند. پوشیده نیست که در صورت تحریم نفتی ایران، در حالیکه خسربداران نفت ایران متحمل ضربه‌های مهلک خواهند شد، ایران و حاکمان آن برای مدتهای طولانی بدون ضربه‌پذیری به حیات خود ادامه خواهند داد و حتی از کوبا و ویتنام نیز کمتر لطمه خواهند دید و تنها نتیجه آن انفجار خشم بیشتر ایرانیان نسبت به ایالات متحده خواهد بود.

آمریکا در قبال موضع کنونی ایران، ناگزیر چهار راه حل در پیش رو دارد: ۱- از ادامه تحریمها دست بردارد و راه سهل‌الخط را در پیش بگیرد. این روش را یکی از مقامات کهنه کار اطلاعاتی آمریکا پیشنهاد کرده است. این روش گرچه در ظاهر جالب بنظر می‌رسد ولی نه عملی است و نه عاقلانه. فعالیتهای همه جانبه و ماشین پرتحرک سیاسی و اقتصادی ایران را در منطقه نمی‌توان نادیده گرفت و نمی‌توان تصور کرد که با یک چشم نازک کردن آمریکا، ایران میدان را خالی کند.

۲- در روش افراطی تر، واشنگتن دست به یک رویارویی نظامی با تهران بزند و با اعمال خشونت رژیم را وادار به عقب‌نشینی از مواضع خود کند. چنین روشی خطرات حساب نشده‌ای را در خود نهفته دارد و از نظر بین‌المللی چنانچه قبلاً رضایت متحدان آمریکا در این زمینه جلب نشود یا عدم حمایت آنها روبرو خواهد شد و مردم آمریکا نیز در صورتی که چنین تهاجمی با اعزام سرباز به منطقه و تلفات آمریکاییها توأم شود احتمالاً از آن حمایت نخواهند کرد.

۳- تحریمهای پر قدرت و گسترده یک جانبه علیه رژیم ایران، مذاافعان تحریم کنونی معتقدند که ضعف و تزلزل اقتصادی و مالی که ایران با آن دست به گریبان است نتیجه این تحریمها است و ایران را به غرب در قالب اعتبارات، تکنولوژی و مدیریت نیازمند ساخته است، بنابراین چنانچه چند قدرت بزرگ صنعتی جهان به تحریمهای آمریکا علیه ایران اقتدا کنند تأثیر آن بر تغییر روش ایران قطعی خواهد بود. اما به هر حال تحریمهای یکجانبه نیز می‌تواند اثرات متفاوتی داشته باشد، آن چه که برای نتیجه‌گیری از این روش لازم است قدری بردباری و خویش‌داری است یا فرض این که این ارزیابی درست باشد، اتخاذ

آن است. در طول اعمال تحریمهای علیه ایران شرکتها و پیمانکاران غربی عملاً به نمایندگان آمریکا در ایران تبدیل شدند. بسیاری از کشورهای غربی که در آغاز تحریم در مرتبه‌های بیستم یا سیام جدول حجم مبادلات بازرگانی با ایران قرار داشتند بی‌اعتنا به تحریمهای آمریکا روابط تجاری خود را با ایران گسترش دادند به طوری که دیری نپایید که به مرتبه پنجم یا ششم در این جدول صعود کردند. فروشگاههای ایران امروز مملو از کالاهای گوناگون آمریکائی است که قسمتی به صورت قاچاق و برخی نیز از راههای قانونی از کشورهای مجاور وارد ایران شده‌اند. مقداری از کالاهای ایرانی نیز بوسیله اشخاص یا شرکتهای ثالث و با استفاده از نقاط ضعف تحریم به بازارهای آمریکا صادر شده‌اند.

تحریمها در ترکیب و ساختار فعلی خود نه به دلیل کارائی و توانائی بلکه به علت ناتوان کردن ایران در مسابقه‌ای که برای رشد و توسعه میان کشورهای در حال رشد درگیر است می‌توانند رژیم اسلامی را از پای درآورند.

سیاست کنونی ایالات متحده تا این لحظه بی‌اثر و ناکام بوده است و در صورتی در آینده موفق خواهد بود که شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه‌های خود خرید نفت ایران را از سوی همه کشورهای جهان منع کند و کشورهای بزرگ واردکننده نفت ایران به این قطعنامه‌ها گردن گذارند.

اقتصاد ایران بدون درآمدهای نفتی خیلی سریع فلج خواهد شد. اما با توجه به موضع قاطع اتحادیه اروپا در مردود دانستن دومین مرحله تحریمهای آمریکا علیه ایران و حضور نیروهای مخالف با این تحریمها در شورای امنیت نظیر روسیه، فرانسه و چین، بسیار دور از ذهن است که چنین قطعنامه‌هایی از تصویب شورای امنیت سازمان ملل بگذرد. از این گذشته تحریم نفت ایران، برای مدتی کوتاه قیمت‌های

گفتگو نشستند. سودان و ایران در قانون آوریل ۱۹۶۶ که از تصویب مجالس آمریکا گذشت از معامله با شرکت‌های آمریکائی منع شدند ولی دیدیم که شرکت نفت آمریکائی اکسیدتال بلافاصله پس از تصویب این قانون موقت شد مجوزی خاص برای بستن یک قرارداد نفتی با دولت خارطوم به دست آورد.

در زمینه سلاحهای هسته‌ای کره شمالی همان برنامه هسته‌ای ایوان را در دست اجرا دارد و تحت شرایط معاهده محدود کردن استفاده از سلاح هسته‌ای و تجویز استفاده از انرژی هسته‌ای برای هدفهای صلح آمیز، آمریکا نسبت به کره شمالی و ایران عملاً رفتاری دوگانه دارد. در زمینه حقوق بشر، چین و پاره‌ای از دوستان آمریکا در خاور میانه، مصر، پاکستان، عربستان سعودی و ترکیه از سوی وزارت خارجه آمریکا به عنوان بزرگترین ناقضان حقوق بشر اعلام شده‌اند و بنا بر این حال از روابط تجاری و دیپلماتیک عادی با ایالات متحده برخوردارند. ۲ و ۳ بالاخره ایالات متحده هرگونه تحریم اعراب را علیه اسرائیل مردود دانسته ولی چنین تحریمها را علیه ایران از متحدان عرب خود انتظار دارد.

استراتژی مهاره از اعتبار لازم نیز برخوردار نیست زیرا خود ایالات متحده بارها اصول آن را زیر پا گذاشته است. معامله سری اسلحه با ایران در زمان حکومت ریگان، تلاش ناکام جرج بوش برای تماس با ایران در ماجرای گروگانگیری آمریکائیان در لبنان در سال ۱۹۹۱ و تصمیم پیل کلیتون در تجویز ارسال محرمانه سلاح به بوسنی از سوی ایران از جمله مواردی هستند که اعتبار استراتژی مهاره را زیر سؤال می‌برند. همچنین در سال ۱۹۹۵ که ایالات متحده یک بار دیگر با اصرار از متحدان خود خواست که روابط بازرگانی خود را با ایران متوقف کنند خود چهارمین مرتبه را در روابط تجاری با ایران داشت. و بالاخره دلیل نهانی شکست سیاست تحریم بی‌اثر بودن آن به دلیل بی‌استحکامی

سیاست توأم با خشونت خالی از خطر نیست. سنگین تر کردن تحریمها ممکن است رسیدن روز تسویه حساب با ایران را شتاب ببخشد ولی خطر بروز مقاومت‌های ملی مردم ایران را نیز با خود دارد. اقتصاد نامتوازن و عاری از کارآئی بیشترین تهدید را برای حاکمان ایران در بر دارد.

از نظر بعضی‌ها به نظر می‌رسد رژیم حاکم بر ایران چه در شرایط تجریم و چه بدون آن، سرانجام محکوم به سقوط است مگر آنکه تغییراتی عمیق در سیاستهای داخلی و نیز جهان‌بینی ضدغربی خود بوجود آورد. بنابراین در ورای تحریمها نیز دلایلی برای رژیم وجود دارد که برای بقای خود تدابیری عاجل به کار گیرد.

در حال حاضر رهبری ایران از یک سلسله مانورهای تبلیغاتی گسترده برای تهییج مردم که در آنها کمبودها و ناکامیها به دلیل دشمنی‌های ایالات متحده با جمهوری اسلامی قلمداد شده است بهره برداری می‌کند. این رهبری با بهره‌برداری از امتیاز تاریخی تشیع در عنصرها شکوه شهادت، ایران را قربانی بیدادگرها و کینه‌توزیهای خصمی نام ایالات متحده می‌داند و به عنوان دلیل تحریمهای اقتصادی راه ملت القاء می‌کند و تحریمها را هر چند بی‌اثر بر پیکره رژیم، در اثبات ادعاهای خود مبنی بر کینه‌توزی آمریکا با ایران مطرح می‌نماید.

رهبری روحانی از روحیه مین‌پرستی ایرانیان نیز غافل نیست و به ویژه تأکید می‌کند که تحریمهای اقتصادی علیه ایران و دشمنی‌های ایالات متحده تهدیدی است علیه حاکمیت و یکپارچگی قلمرو کشور. گروههای مخالف رژیم ایران و به ویژه سلطنت‌طلبان امیدوارند تحریمهای اقتصادی آمریکا علیه ایران به براندازی این رژیم حتی به قیمت تبدیل ایران به بالکانی دیگر، منجر شود.

۴- و بالاخره این که سیاستی محتاطانه و با تدبیر که در درون خود اشکالی از مبارزه‌جویی داشته باشد در پیش گرفت. رژیم ایران یک رژیم مذهبی دواوی ریشه‌های عمیق خونی و اقتصادی با طبقه بازرگانان بازار است. احساسات و انگیزه‌های بازاریان سیاسی نیست بلکه متکی به سودی است که عایدشان می‌شود. این طبقه از شوکای خود در دولت توقع حمایت ایدئولوژیک ندارند بلکه به دنبال قدرت نمائی در جهت حفظ منافع خود هستند. عدم برآورد این توقع به معنی برداشتن حمایت از دولت و در نتیجه تضعیف اقتدار دولت است. آیت الله خمینی [امام راحل «ره»]

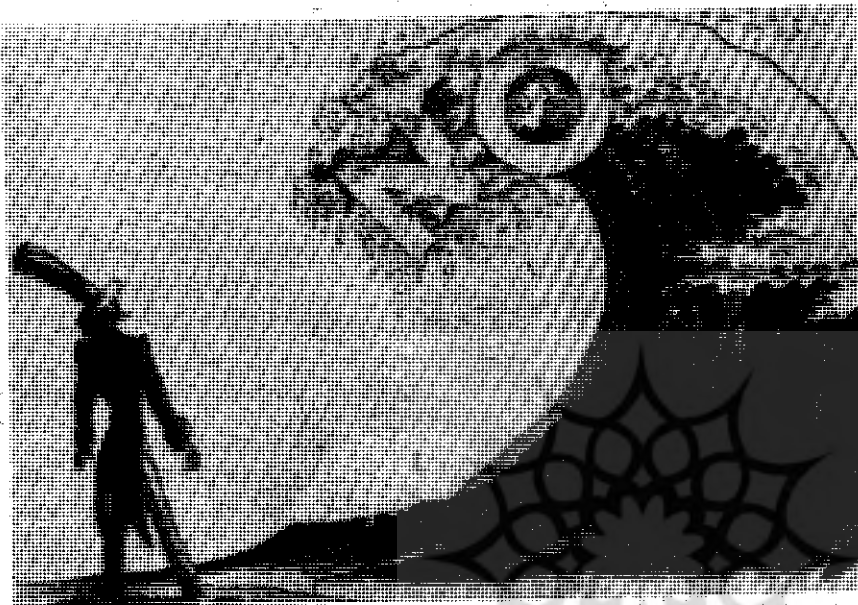
در سال ۱۹۸۸ با پذیرفتن قطعنامه آتش بس به جنگ هشت ساله‌ای که معتقد بود تا پیروزی نظامی ایران بر عراق باید ادامه پیدا کند پایان داد. انگیزه این پذیرش صرفاً حفظ حکومت اسلامی و باقی ماندن روحانیت در اقتدار سیاسی بود. رژیم نشان داده است که هر پیشنهادی را که به استحکام اقتصادی رژیم کمک کند و به آن شانس بیشتری برای بقا بدهد با عکس‌العمل

مثبت ارزیابی می‌کند.

### مشارکت در منافع

ایران و آمریکا هر یک تظاهرات ملی خود را تحت شعارهای اعلام کرده‌اند: ایران، اسلام را و آمریکا دموکراسی را ولی هیچیک در پشت نقاب این شعارها منافع ملی خود را که در بسیاری موارد مشترک هم هست نمی‌توانند نادیده انگارند. به رغم برخوردهائی که میان دو کشور وجود دارد، هر دو خوب می‌دانند که

زودگذر است. قبل از آنکه فدراسیون روسیه مجدداً به یک ابرقدرت تبدیل شود و صدام نیز با قدرت گرفتن مجدد خطری برای همسایگانش به شمار آید، ایران بدون توجه به رژیم حاکم بر خود به صورت پرجمعیت‌ترین و بزرگترین کشور خاورمیانه در محاصره همسایگانی خواهد افتاد که به خوبی می‌دانند ده درصد از کل ذخایر نفتی و پانزده درصد از منابع جهانی گاز در آن نهفته است و می‌تواند به عنوان دروازه آسیای میانه به سوی غرب به شمار آید و



حقی متحدهان آمریکا پس از اعلام تحریمهای ثانویه علیه ایران به آمریکا «نه» گفتند. (انتخاب تصویر از ماهنامه است)

بنابراین ایالات متحده نباید از این حقیقت غافل باشد که نزدیکی و همکاری با ایران چه منافع هنگفتی برای او در بر دارد و لزوم ایجاد تغییرات اساسی را در استراتژی «مهار» آشکار می‌سازد.

فارین افروز، جلد ۷۶، شماره ۳ (می ژوئن ۱۹۹۷)  
برگردان از سرویس ترجمه گزارش



۱- بسیاری معتقدند دادن امتیاز بهره‌برداری از حوزه نفتی جزیره سیرکا به شرکت آمریکائی کونکو چراغ سبزی بود که ایران به واشنگتن نشان داد، این امتیاز در سال ۱۹۹۵ از سوی کلیتون لغو شد.

۲- افتتاح راه آهن بین پرخس ایران و عشق آباد ترکمنستان در ماه مه ۱۹۹۶ که در مراسم آن نمایندگان و سران بیش از ۴۰ کشور جهان شرکت داشتند از سوی ایران موفقیتی در قبال تحریمهای آمریکا توصیف شد، همچنین حضور ۱۵۰۰ شرکت از ۵۴ کشور جهان در نمایشگاه بین‌المللی ۱۹۹۶ را رهبران ایران شکستی برای آمریکا در تحریمهای علیه ایران نامیدند.

۳- آمریکا چین را در سال ۱۹۹۶ مشمول روابط کامله‌الوداد کرد و دولت کلیتون اعلام داشت که ترجیح می‌دهد بجای فشار بر چین به منظور تغییر دادن رفتار خود سیاست گفت و شنود را در پیش گیرد و این درست همان چیزی است که متحدهان اروپایی آمریکا معتقدند باید در مورد ایران نیز اعمال شود ولی ایالات متحده همه استدلالهای متحدهان اروپایی خود را در مورد ایران رد کرده است.

بی‌ثباتی منطقه‌ای، هرج و مرج و تشنج به سود جریان آزاد صدور نفت از خلیج فارس نیست.

هر دو به عنوان دو ستون ژئوپولیتیکی در مقابل نفوذ و توسعه طلبی روسیه در خلیج فارس و رویای دیرین روسیه برای تسلط بر آبهای این خلیج به یکدیگر نیازمندند. مخو امپراتوری شوروی و ایجاد کشورهای مشترک المنافع آسیای میانه نیز نتوانسته است از شدت این خطر بکاهد و بالاخره هر دو کشور می‌توانند در یک همکاری پرثمر در توسعه و انتقال انرژی از آسیای مرکزی و قفقاز که منجر به کاهش وابستگی کشورهای این منطقه به روسیه می‌شود از منافع آن بهره‌مند شوند.

در حال حاضر، این منافع مشترک ممکن است چندان برای واشنگتن دارای کشش نباشد. پس از فروپاشی شوروی و شکست صدام حسین در جنگ خلیج فارس و افزایش تولید نفت کشورهای غیر عضو اوپک ممکن است ایران ارزش استراتژیک، نظامی و اقتصادی خود را برای ایالات متحده از دست داده باشد و لزومی برای گشودن باب مذاکره با ایران نبیند و بنابراین بر فشارهای خود بر ایران از طریق تحریمهای اقتصادی بیفزاید ولی این مرحله از سیاست واشنگتن